دستگیری رمال اینترنتی

فردی که در فضای مجازی با وعده‌های دروغین، از مردم کلاهبرداری کرده بود، در زنجان دستگیر شد. رئیس پلیس فتا استان زنجان در تشریح این خبر گفت: این متهم با درج و انتشار آگهی رمال و فالگیری در فضای مجازی، پس از جلب اعتماد و سوءاستفاده از سادگی قربانیان با وعده‌های دروغین و امیدواهی با دریافت مبالغی هنگفت، اقدام به کلاهبرداری از افراد می‌کرد. سرهنگ محمدعلی آدینه لو ادامه داد: طی رصدهای مستمر کارشناسان پلیس فتا زنجان در فضای مجازی، کانالی در شبکه اجتماعی تلگرام مورد شناسایی قرار گرفت و مشخص شد شخصی با درج آگهی دعانویسی، طلسم و رمالی اقدام به تجویز و ارسال بسته‌های مصرفی در قبال دریافت مبالغ هنگفت می‌کرد. با اقدامات فنی و تحقیقات خاص پلیسی متهم باهویت معلوم در یکی از استان‌ها مورد شناسایی قرار گرفت و با هماهنگی مراجع قضایی، متهم توسط کارشناسان پلیس فتا زنجان دستگیر شد. متهم پس از مواجه شدن با دلایل پلیسی، با اعتراف به بزه ارتکابی، انگیزه خود را کسب منافع مالی بیان داشت.

گفت‌وگو با زن جوان که همسرش را قربانی ارتباط پنهانی کرد

شوهرم محبت کرد، من خیانت!

محمد غمخوار
دبیر گروه حوادث

زن جوان فکر می‌کرد بعد از قتل شوهرش، زندگی خوب و آرامی در انتظارش است اما ماجرای قتل، چند ساعت بعد فاش شد و به جای این‌که کنار قاتل شوهرش پای سفره عقد بنشیند، سردی دستبند فولادی را بر دستش حس کرد. در «پشت صحنه یك جنایت» این هفته پرونده این زن را مرور کرده و پای صحبت‌هایش نشستیم. ریشه‌های قتل هم توسط رئیس پلیس آگاهی استان البرز تحلیل شد.

براساس محتویات پرونده، رسیدگی به این پرونده از شهریور امسال و به‌دنبال گزارش مرگ مشکوك مردی در یك مرغداری در حاشیه کرج در دستور کار پلیس قرار گرفت. ماموران پس از حضور در محل با جسد مردی روبه‌رو شدند که آثار کبودی در بدنش دیده می‌شد. همسر این مرد در تحقیقات گفت: شوهرم در خواب سکته کرده است. این در حالی است که پزشك قانونی علت مرگ را خفگی اعلام کرد. با این گزارش زن جوان دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل همسرش با همدستی مرد مورد علاقه‌اش اعتراف کرد و گفت: من در کشتن همسرم نقشی نداشتم فقط در را برای کریم باز کردم و او همراه مرد دیگری به خانه آمده و شوهرم را در خواب خفه کردند. پس از این اعترافات متهمان تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و در عملیات‌هایی دستگیر شدند. کریم در جریان تحقیقات قتل را گردن گرفت و گفت: به تنهایی مرتکب قتل شدم و دو همدستم در کشتن این مرد نقشی نداشتند. پس از اعتراف به این جنایت، متهمان روانه زندان شدند تا با تکمیل تحقیقات پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری البرز ارسال شود.

می‌ترسم با بچه‌هایم روبه‌رو شوم

۱۹ سال دارد اما چین و چروك صورتش، سن او را دو برابر نشان می‌دهد. خونسرد و آرام است و انگار هنوز نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظارش است. نگران فرزندانش است و نمی‌داند وقتی با آنها روبه‌رو شد چه جوابی به آنها بدهد.

بچه داری؟

بله. دو بچه دارم.

در این مدت که در بازداشت هستی آنها را دیده‌ای؟

نه. دلم برایشان تنگ شده، اما می‌ترسم با آنها روبه‌رو شوم. نمی‌دانم واکنش‌شان چه خواهد بود. آنها پدرشان را دوست داشتند و الان در نظرشان من یك مادر هوسران هستم.

زود ازدواج کردی؟

بله. ۹ ساله بودم که پدرم مرا به مردی که ۲۰ سال از خودم بزرگ‌تر بود شوهر داد. من افغان هستم و شوهرم هم افغان است. من چیزی از زندگی مشترك نمی‌دانستم.

با شوهرت اختلاف داشتی؟

نصیر مرا خیلی دوست داشت و من هم او را دوست داشتم. روزهای خوبی کنار هم داشتیم.

پس چرا به او خیانت کردی؟

خودم هم نمی‌دانم. شوهرم خیلی کار می‌کرد و وقت کمی برای من می‌گذاشت. به خاطر اختلاف سنی هم درك خوبی از هم نداشتیم.

چطور با کریم آشنا شدی؟

چند سال بعد از ازدواج به افغانستان رفتیم و یك سالی آنجا بودیم. کریم، فامیل شوهرم بود و آنجا با هم آشنا شدیم. او خیلی به من توجه می‌کرد و احساس غربت نمی‌کردم. بعد از مدتی به هم علاقه‌مند شدیم. او می‌گفت تو در این ازدواج قربانی شدی.

او چند سال داشت؟

چهار سال از خودم بزرگ‌تر بود.

از آن زمان رابطه داشتید؟

نه. وقتی به ایران بازگشتیم ارتباطم با او قطع شد و فراموشش کردم و دلگرم زندگی‌ام شدم. وقتی او نبود محبت‌های شوهرم را می‌دادیدم، اما وقتی کریم وارد زندگیم می‌شد، فقط او را می‌دیدم. یك روز شوهرم تماس گرفت و گفت شام خوبی درست کن امشب مهمان داریم. وقتی به خانه آمد کریم همراهش بود. با دیدن کریم، عاشقش شدم.

چرا طلاق نگرفتی؟

چند بار به نصیر گفتم اما او مخالف بود. می‌گفت مرا دوست دارد و نمی‌تواند بدون من زندگی کند.

با دیدن این همه علاقه و محبت دچار عذاب وجدان نشدی؟

کریم طوری رفتار کرده بود که فقط کارهای او را می‌دیدم.

همسرت به رابطه تو و کریم شك نکرد؟

نه. حتی چند بار برادرش هشدار داد که رابطه کریم و همسرت مشکوك است اما با برادرش دعوا کرد که من به هردوی آنها اعتماد دارم. کریم در خانه می‌ماند و شوهرم سر کار می‌رفت.

چرا شوهرت را کشتید؟

کریم وقتی دید شوهرم طلاقم نمی‌دهد، گفت بهترین راه این است که نصیر را بکشیم. من مخالف بودم اما سرانجام قبول کردم. فقط شرط کردم در کشتن او همکاری نمی‌کنم. کریم قبول کرد و قول داد اگر ماجرا لو رفت همه چیز را گردن بگیرد.

این کار را کرد؟

در جلسه بازجویی گفت من کشتم و کسی در قتل نقش نداشت.

نقشه‌تان چه بود؟

قرار بود من شب، در خانه را باز کنم و کریم همراه دوستش وارد شوند. حدود ساعت یك شب آنها آمدند و شوهرم را در خواب کشتند. بعد هم رفتند و خواستند صبح با اورژانس تماس بگیرم و بگویم شوهرم در خواب سکته کرده است. قرار بود چند روزی تماس نداشته باشیم تا آب‌ها از آسیاب بیفتد.

تا صبح چه کار کردی؟

چند ساعتی کنار جسد شوهرم نشستم و گریه کردم. عذاب وجدان تازه سراغم آمده بود. حدود ساعت ۴ صبح متوجه صدایی در محوطه شدم. وقتی بیرون آمدم با صاحب مرغداری روبه‌رو شدم. با دیدن صورت گریانم شك کرد و گفتم نصیر در خواب سکته کرده است او به پلیس زنگ زد و صبح ماموران فهمیدند شوهرم به قتل رسیده و بازداشتم کردند. در پلیس آگاهی همه چیز را تعریف کردم.

عکس: رضا آرین

با کریم روبه‌رو نشدی؟

در دادسرا او را دیدم. حالم از چهره‌اش به هم می‌خورد. ببخشید اما از تمام مردها بدم می‌آید. من شوهرم را قربانی هوس خود کردم. او به من محبت می‌کرد اما من محبت‌هایش را با کشتنش پاسخ دادم.

می‌دانی چه سرنوشتی در انتظارت است؟

من همه چیز را باخته‌ام و دیگر آینده برایم مهم نیست. فقط امیدوارم یك روز بچه‌هایم مرا ببخشند.

انتخاب وحشتناک‌ترین راه برای حل مشکل

سرهنگ محمد نادربیگی
رئیس پلیس آگاهی استان البرز

در این پرونده رابطه خارج از عرف زن جوان با پسری با قتل شوهرش به پایان رسید. متاسفانه این روابط پایان تلخی دارد و دو طرف برای از میان برداشتن شوهر برای ارتباط راحت یا جلوگیری از فاش شدن راز خیانت، مرتکب قتل می‌شوند و تصور می‌کنند که این جنایت‌ها فاش نمی‌شود در حالی که پلیس و دستگاه قضایی خیلی زود راز این جنایت‌ها را فاش می‌کند و مجرمان باید در برابر قانون پاسخگو باشند.

در پرونده‌های شوهرکشی، زنان بعد از دستگیری از دلایل مختلفی برای قتل نام می‌برند و می‌گویند اگر می‌توانستند طلاق بگیرند، مرتکب قتل نمی‌شدند. وقتی این پرونده را از نظر علمی مورد بررسی قرار می‌دهیم، مشخص می‌شود که هوس در اغلب آنها انگیزه اصلی قتل است و زن با بیان این دلایل قصد دارد انگیزه خود را توجیه کند. این افراد سعی می‌کنند خلأهای زندگی را با ورود فرد جدیدی به زندگی پر کنند در حالی که به‌راحتی می‌توانستند با گفت‌وگو و حتی کمك مشاوران خانواده این خلأها را پر کنند، اما به جای تلاش برای حل مشکل راحت‌ترین راه را انتخاب کردند. زوجین باید از گفت‌وگو در حل مشکلات در زندگی استفاده کنند و دو طرف گوش شنوایی برای شنیدن گلایه‌های طرف مقابل باشند و سعی کنند لجبازی را کنار بگذارند. در زندگی مشترك من معنایی ندارد و به ما می‌رسیم. پس به جای لجبازی باید همدلی کرد تا مشکلات رفع شود.

جزئیات دعوت دانش‌آموزان به چالش مومو

رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرایم سایبری پلیس فتا ناجا به تشریح ماجرای ارسال کلیپ‌های مومو برای دانش‌آموزان پرداخت.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سرهنگ علی‌محمد رجبی در تشریح این خبر اظهار داشت رسیدگی به ارسال پیام‌ها و کلیپ‌های موسوم به مومو به صورت ویژه در دستور کار پلیس فتا قرار گرفته و به‌زودی افراد داخلی که هدف‌شان اذیت و آزار دانش‌آموزان بوده است، گرفتار قانون می‌شوند.

وی از والدین درخواست کرد: در صورت برخورد فرزندشان با محتوای مومو با آنها صحبت کرده و نگرانی آنها را کاهش دهند، چراکه والدین درك بهتری نسبت به تهدیدات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دارند.

سرهنگ رجبی افزود: در روزهای اخیر دوباره شاهد مطرح شدن چالش مومو در سطح برخی استان‌های کشور به‌خصوص استان‌های جنوبی بوده‌ایم و برخی کاربران که بیشتر آنها دانش‌آموز بوده‌اند پیام‌هایی حاوی محتوا و تصاویر مومو دریافت کرده‌اند؛ دریافت پیام‌ها و کلیپ‌های چالش مومو بیشتر از طریق اپلیکیشن واتس اپ صورت گرفته است. مومو یك اکانت واتس‌اپ است که در ابتدا کاربر، یك لینك تماس از سوی مومو دریافت و پس از شروع به گفت‌وگو از سوی حساب کاربری مومو فرد به رفتارهای خطرناك دعوت می‌شود.

وی گفت: برخی کاربران واتس‌اپ از حساب‌های کاربری با شماره ایرانی و بعضا خارجی پیام‌هایی را به زبان فارسی دریافت کرده بودند که از آنها خواسته شده بود در چالش مومو شرکت کنند؛ بررسی‌های گسترده پلیس فتا نشان داد عمده این پیام‌ها با انگیزه ایجاد مزاحمت ارسال شده است. متاسفانه برخی خانواده‌ها در پی ارسال پیام‌ها و کلیپ‌های چالش مومو برای فرزندانشان به جای راهکارهای فنی و صحبت با آنها نگرانی بیشتری به فرزندان خود منتقل کرده و باعث ایجاد اضطراب در فرزندانشان شده‌اند.

راز جنایت در هتل اسپیناس پالاس

تحقیقات پلیس جنایی پایتخت درباره پرونده مرگ مشکوك زن و مرد جوان در هتل اسپیناس پالاس نشان داد، مرد جوان بعد از قتل عروس خانواده، خودکشی کرده‌است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، جسد زن و مرد جوان عصر چهارم شهریور امسال، در یکی از اتاق‌های طبقه ششم هتل اسپیناس پالاس محله سعادت‌آباد تهران در حالی که ساعاتی از مرگشان با شلیك گلوله گذشته بود، پیدا شد. تحقیقات نشان می‌داد که زن ۲۶ ساله مسافر هتل بوده، اما مرد جوان اتاقی در هتل نداشت. دو دستنوشته که در آن نوشته شده بود حلالمان کنید، ما به هم علاقه داریم در اتاق پیدا شد.

در تحقیقات بعدی مشخص شد، آنها عروس و برادرشوهر بوده و ساکن یکی از شهرهای استان مرکزی هستند. پلیس جنایی پایتخت سه فرضیه را برای رازگشایی مرگ آنها بررسی می‌کرد تا این‌که با گذشت ۵۰ روز از ماجرا مشخص شد مرد جوان ابتدا این زن را کشته و بعد خودکشی کرده است.

یکی از اعضای خانواده زن کشته شده در تحقیقات پلیسی گفت: دخترمان ۱۰ سال بود ازدواج کرده و دو فرزند داشت. از چندی قبل با شوهرش اختلاف و درگیری خانوادگی داشت. نمی‌دانستیم خانه نیست و با برادرشوهرش در یك هتل هستند. از طریق پلیس متوجه قتل دخترمان شدیم و اکنون هم در ارتباط با قتل او شکایت داریم.

شوهر مقتول نیز در تحقیقات پلیسی گفت: من به زنم علاقه داشتم و اختلاف و درگیری با هم نداشتیم، اما مدتی بود که متوجه ارتباط میان زنم و برادرم شدم که به هردویشان تذکر دادم از هم فاصله بگیرند.

بنابراین با هماهنگی قضایی قرار شد شکایت دو فرزند زن کشته شده هم اخذ شود. همچنین به خاطر این‌که قاتل فوت شده، قرار موقوفی تعقیب در ارتباط با جنایت صادر خواهد شد.

تصادف مرگبار دزد گوشی هنگام فرار

دزدان گوشی‌قاپ بعد از سرقت گوشی زن جوان، با خودرویی تصادف کرده و راکب موتور جان باخت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، از اوایل تابستان امسال، دختران و زنانی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت‌هایی را مطرح کردند که نشان می‌داد در خیابان دو نفر که موتور سوار بودند به آنها حمله کرده و با قاپیدن گوشی‌های‌شان متواری شدند. همچنین معلوم شد سارقان زمانی که با مقاومت برخی مالباختگان روبه‌رو شده‌اند، آنها را تا مسافتی روی زمین کشیده و مصدوم کرده‌اند.

با دستور بازپرس دادسرای ناحیه ۳۴ تهران تحقیقات پلیسی برای دستگیری سارقان فراری ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش مردی با پلیس تهران تماس گرفت و خبر داد که دو موتورسوار در حال فرار، به دلیل سرعت بالا با خودروهای عبوری در یکی از محله‌های شمالی تهران تصادف کرده‌اند که یکی از آنها فوت شده است. با حضور ماموران در محل، فرد مصدوم به بیمارستان منتقل شد. همچنین نیروهای امدادی در حال انتقال جسد مرد جوان به پزشکی‌قانونی بودند که متوجه صدای زنگ تلفن همراهی در جیب مرد فوت‌شده شدند. به گمان این‌که خانواده مرد فوت‌شده تماس گرفته‌اند، گوشی تلفن را جواب دادند، اما آن‌سوی خط صدای گریه و ناله زنی شنیده می‌شد که فریاد می‌زد گوشی‌ام را پس دهید. وقتی ماموران با او حرف زدند پی بردند که چند محله بالاتر گوشی آن زن توسط دو جوان سرقت شده است. در بازرسی لباس‌های مرد فوت‌شده چند دسته‌کلید و گوشی دیگر هم کشف شد. ماموران با حضور در بیمارستان دریافتند که دسته‌کلید و چند گوشی نیز همراه مرد مصدوم بوده است. بعد از به هوش آمدن جوان مصدوم، تحقیقات از وی در پلس آگاهی ادامه یافت و متهم گفت: هیجان و دوست ناباب باعث شد که سارق شوم. موتورساز حرفه‌ای هستم و وضع مالی‌ام خوب است. با شهرام یك سال قبل در بوستانی در جنوب تهران آشنا شدم. او موتورسوار حرفه‌ای بود و با دوستانش دزدی می‌کرد. من هم مدتی با آنها سرقت خانه‌ها را انجام دادم. اما می‌ترسیدم صاحبخانه‌ها سر برسند و یك روز بازداشت شوم. به خاطر همین تصمیم به گوشی‌قاپی گرفتیم. در جریان دزدی آخرمان تصادف کردیم و شهرام فوت شد. متهم در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

تهدید بعد از آزار شیطانی

مردی که بعد از آزار و اذیت شیطانی پسر نوجوان، دو نفر را برای ترساندن خانواده او برای پیگیری نکردن پرونده اجیر کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، اوایل مهر امسال پسر ۱۵ ساله‌ای برای خرید سیمکارت از خانه بیرون رفت، اما مرد جوانی او را به بهانه این‌که دوست دایی‌اش است و می‌خواهد او را نزد وی برای کارکردن ببرد، فریب داد و ربود. مرد جوان این نوجوان را به خانه‌ای در شرق تهران برد و مورد آزار و اذیت شیطانی قرار داد و متواری شد. شاکی بعد از چند روز موضوع را به مادرش گفت و با هم به شعبه چهارم بازپرسی دادسرای جنایی تهران آمدند و شکایت کردند. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که معلوم شد مرد آزارگر دو نفر را اجیر کرده که به مقابل خانه دایی شاکی و نیز محل کار مادر پسر نوجوان رفته و با تهدید آنها، پسر نوجوان را از شکایت منصرف کنند. سرانجام متهم سوار بر موتور دستگیر شد. او ابتدا منکر جرایم سیاهش شد و گفت؛ با دیدن پسر نوجوان در خیابان وسوسه شدم و او را ربوده به خانه‌ام برده و مورد آزار و اذیت قرار داده و بعد رهایش کردم. وقتی فهمیدم از من شکایت کرده و تحت تعقیبم، دو دوستم را فرستادم تا با تهدید رضایت بگیرند. متهم در بازداشت به‌سر می‌برد تا راز دیگر جرایم سیاهش فاش شد و دو اجیرکننده مزاحم از سوی او تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

تلنگر

صحنه‌سازی مرد جنایتکار برای قتل همسر و فرزندش

مردی که بعد از قتل همسر و فرزندش با صحنه‌سازی قصد داشت از مجازات فرار کند، در جریان تحقیقات پلیس آگاهی کهگیلویه و بویراحمد دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، چندی قبل ماموران پلیس آگاهی شهرستان بویراحمد در جریان سقوط خودرویی به دره در یکی از روستاهای بخش لوداب قرار گرفتند. در بررسی‌ها مشخص شد، خودروی پیکان به دلیل نامعلومی از جاده اصلی منحرف شده و به دره سقوط کرده بود. خودرو در انتهای دره واژگون شده و همسر و فرزند راننده بر اثر شدت جراحات در دم جان باخته بودند.

راننده در جریان تحقیقات گفت: در جاده در حال رانندگی بودم که ناگهان ماشین ترمز خالی کرد و به سمت دره منحرف شدم. خودم را از خودرو به بیرون پرت کردم، اما همسر و فرزندم در ماشین گرفتار شده و جان باختند.

سرهنگ بالش‌زر، رئیس پلیس آگاهی کهگیلویه و بویراحمد در این‌باره گفت: با توجه به موقعیت محل تصادف و همچنین اظهارات ضد و نقیض راننده خودرو و نظریه افسر کارشناس پلیس راه در صحنه و براساس اعلام پلیس راه، مشخص شد که تصادف ساختگی است. بنابراین بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران پلیس آگاهی استان قرار گرفت.

وی تصریح کرد: برای بررسی موضوع گروهی متشکل از کارآگاهان اداره آگاهی استان، بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب یاسوج، همراه تعدادی از کارشناسان تصادفات و راننده خودرو در محل وقوع حادثه حاضر شدند. متهم پس از حضور در محل حادثه به اداره آگاهی استان منتقل شد و در بازجویی‌های اولیه اظهارکرد: در روز حادثه همسر و فرزند خردسالم را سوار بر خودرو کردم و با صحنه‌سازی و تصادف ساختگی در سه کیلومتری بیرون از روستا خودرو را از کوه‌ها به سمت دره‌ها حرکت دادم و خودم را از خودرو پایین انداختم.

رئیس پلیس آگاهی استان در پایان با اشاره به این‌که متهم انگیزه خود را از قتل اختلافات خانوادگی عنوان کرد خاطرنشان کرد: متهم پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی و روانه زندان شد.

پرواز از طبقه چهارم بعد از مصرف ماده مخدر قارچ

جوان صاحبخانه بعد از مهمانی شبانه به‌طور مرموزی از پنجره اتاق خواب طبقه چهارم ساختمانی در غرب تهران به پایین افتاد و فوت شد. دو جوان مهمان در این ماجرا تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، شامگاه سه‌شنبه ۲۲ مهر امسال، یکی از ماموران کلانتری جنت‌آباد با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از سقوط مرگبار پسر ۲۵ ساله‌ای از ساختمانی در بلوار فردوس خبر داد. بررسی اولیه نشان داد که او از پنجره اتاق خواب در طبقه چهارم سقوط کرده و فوت شده است. ماموران از همسایه‌ها تحقیق کردند که معلوم شد جوان فوت شده مجرد و در طبقه چهارم ساکن بوده است. آن شب چند مهمان داشته که صدای درگیری از خانه‌اش شنیده شده بود. بعد هم دو جوان هراسان از خانه بیرون رفته بودند.

در ادامه ماموران به خانه جوان فوت‌شده رفتند که جوان بدحالی را در آنجا یافتند که بعد از بهتر شدن حالش از او تحقیق کردند، وی گفت: مهمان پسر فوت‌شده بودم. دو نفر از دوستانش هم آنجا بودند. ماده مخدر قارچ کشیدیم. من به آشپزخانه رفتم، جوان صاحبخانه با دو دوستش در اتاق‌نشیمن بودند. با صدای افتادن به اتاق‌نشیمن آمدم که خبری از دوستم نبود. فقط دو مرد مهمان را دیدم که به‌سرعت از خانه فرار کردند. بعد هم حالم به خاطر مصرف مخدر قارچ بد شد.

تحقیقات از دوست جوان فوت‌شده برای رازگشایی از ماجرای این سقوط مرگبار در پلیس آگاهی در حالی ادامه دارد که دو مهمان فراری نیز تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

مرگ ۲ دانشجوی زن مهماندار در تصادف

تصادف خودروی دانشجویان آموزشگاه خلبانی بوتیا وابسته به هواپیمایی ماهان با کامیون دو کشته و مصدوم برجای گذاشت.

خودروی تیبای این دانشجویان مهمانداری در بلوار شهید صدوقی (جاده کرمان) به سمت باغین، نرسیده به پل حجاج درحرکت بود تا به مسیر فرودگاه بروند که با کامیون تصادف کردند و دوخانم ۲۳ و ۲۸ ساله دانشجو فوت شدند و دو همراهشان که آنها هم خانم بودند نیز مصدوم و راهی بیمارستان شدند.